



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۶/۰۴

احمد فواد ارسلان

قانون ترانزیتی که بازی دوگانه پاکستان را برملا کرد



اگر یک سند وجود داشته باشد که موقعیت واقعی پاکستان را در منازعه ایالات متحده و ایران آشکار کند، آن «فرمان انتقال اموال، ماه می ۲۰۲۶» است. این قانون در جریان یک آتش‌بس شکننده معرفی شد و به‌عنوان چارچوبی برای همگرایی منطقه‌ای تبلیغ گردید، اما در عمل به ابزاری حقوقی برای انتقال اموال به ایران تبدیل شد، درست در زمانی که تهران تحت فشار شدید اقتصادی و نظامی ایالات متحده قرار داشت. این یک اصلاح فنی در تجارت نیست. این یک پیام جیوپولیتیکی است و ادعای بی‌طرفی پاکستان را از بین می‌برد.

در همان لحظه‌ای که واشنگتن تلاش داشت ایران را از طریق محاصره بحری در اطراف تنگه هرمز منزوی سازد، پاکستان مسیرهای جدید تجارت زمینی را عملیاتی کرد که به اموال اجازه می‌داد محدودیت‌های بحری را به‌طور کامل دور بزنند. فرمان انتقال اموال در خلأ به‌وجود نیامد. اجرای آن در ماه می ۲۰۲۶، در جریان یک وقفه شکننده در تصادمات، مستقیماً با افزایش فشار اقتصادی بر ایران همزمان شد و یک چینل منظم و دارای حفاظت قانونی را فراهم کرد تا اموال در زمانی که سایر مسیرها مسدود شده بودند، به این کشور جریان یابد.

این دقیقاً برخلاف میانجی‌گری است. یک میانجی معتبر در جریان تصادمات فعال برای یک طرف خطوط تأمین جایگزین ایجاد نمی‌کند و از یک آتش‌بس شکننده برای تقویت آن استفاده نمی‌نماید. پاکستان دقیقاً همین کار را انجام داد و آن را نه از طریق چینل‌های غیررسمی یا قابل انکار، بلکه از طریق قانون رسمی انجام داد. این امر این سیاست را بالاتر از فرصت‌طلبی می‌برد و آن را به اقدامی عمدی تبدیل می‌کند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

عواقب این موضوع بالاتر از مسیرهای زمینی است. گزارش‌هایی مبنی بر عبور کشتی‌های حمل تیل ایرانی از طریق یا در نزدیکی آب‌های پاکستان برای دور زدن اجرای تحریم‌های ایالات متحده، این نما را بیشتر تقویت می‌کند. چه از طریق هماهنگی و چه از طریق تساهل حساب‌شده، پاکستان اجازه داده است تا قلمرو و موقعیت جغرافیایی‌اش به درجه تخلیه فشار برای ایران تبدیل شود. در کنار قانون ترانزیتی، این موارد یک ستراتیژی منسجم را شکل می‌دهد، نه حوادث پراکنده.

با این حال، اسلام‌آباد همچنان خود را به‌عنوان یک پل دیپلماتیک معرفی می‌کند. این کشور میزبان گفتگوها است، پیشنهاد میانجی‌گری می‌دهد و خود را به‌عنوان نیرویی برای ثبات معرفی می‌نماید. این موضع دوگانه ممکن بود در محیطی با نظارت کمتر مؤثر واقع شود، اما اکنون زیر وزن تناقضات خود در حال فروپاشی است. مقامات ایالات متحده از هم‌اکنون به‌طور علنی اعتبار پاکستان را زیر سؤال برده‌اند، که نشان‌دهنده درک روبه‌شد این واقعیت است که اعمالش آن با گفتارش همخوانی ندارد.

نقش چین را نمی‌توان در این معادله نادیده گرفت. وابستگی مالی عمیق پاکستان به پیکنگ و ادغام آن در چارچوب ستراتیژی وسیعتر چین، زمینه مهمی را فراهم می‌کند. چین از هرگونه تضعیف نفوذ ایالات متحده بر ایران سود می‌برد، بخصوص زمانی که جریان انرژی و نفوذ منطقه‌ای در میان باشد. با فراهم کردن امکان دور زدن فشار اقتصادی از طریق کریدورهای تجاری دارای پشتوانه قانونی، پاکستان تنها به‌صورت مستقل عمل نمی‌کند، بلکه با یک بلاک ستراتیژیک وسیعتر همسو می‌شود که در تقابل با اهداف ایالات متحده قرار دارد.

در عین حال، یک محاسبه محدودتر نیز در جریان است. شکنندگی اقتصادی خود پاکستان و نیازهای انرژی آن، انگیزه‌هایی را برای حفظ روابط کارآمد با ایران، صرف‌نظر از فشارهای خارجی، ایجاد می‌کند. چارچوب ترانزیتی به اسلام‌آباد اجازه می‌دهد این منافع را تأمین کند، در حالی که این سیاست را به‌عنوان همکاری اقتصادی بی‌طرفانه معرفی می‌نماید. اما زمانی که زمان‌بندی، بخصوص در ماه می ۲۰۲۶ در جریان یک آتش‌بس شکننده، و عواقب این همکاری به‌وضوح به نفع یک طرف در تصادمات فعال است، دیگر نمی‌توان ادعای بی‌طرفی کرد.

آنچه آشکار می‌شود، داستانی از توازن نیست، بلکه از موضع‌گیری است. پاکستان تلاش دارد جایگاه یک میانجی را اشغال کند، در حالی که همزمان شرایط میدان را به نفع ایران شکل می‌دهد. این نه پیچیدگی ستراتیژیک، بلکه تناقضی است که به‌طور اجتناب‌ناپذیر اعتماد را از بین می‌برد.

فرمان انتقال اموال ۲۰۲۶ روشن‌ترین شاهد این واقعیت است. این قانون نقش پاکستان را از یک ناظر منفعل به یک تسهیل‌کننده فعال، و از یک میانجی بالقوه به یک طرف درگیر تبدیل می‌کند. قوانین مبهم نیستند. آن‌ها نیت را رمزگذاری می‌کنند، رفتار را شکل می‌بخشند و اولویت‌ها را نشان می‌دهند. در این مورد، این پیام غیرقابل انکار است.

کشوری که در جریان یک آتش‌بس شکننده مسیرهای قانونی برای پشتیبانی از یک طرف تصادمات ایجاد می‌کند، نمی‌تواند به‌طور معتبر ادعا کند که همان تصادمات را میانجی‌گری می‌کند. قانون ترانزیتی پاکستان این تناقض را غیرقابل چشم‌پوشی ساخته است. هر زبانی که اسلام‌آباد در محافل دیپلماتیک به‌کار ببرد، عملکرد آن، که اکنون در قالب قانون تثبیت شده است، داستان واقعی را روایت می‌کند.



آرشیف: مطالب نشرشده محترم احمد فواد ارسلا

د پانو شمېره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولئ